

The Global Compact as a Supplementary Agreement to Regulate Multinational Enterprises

Abstract

The United Nations Global Compact, with more than 23000 voluntary participants, is the world's largest corporate citizenship initiative, gathering multinational enterprises (MNEs) under an agreement. The purpose of the compact is to achieve the principles of human rights, labor, environmental, and anti-corruption in the behavior of multinational enterprises. This compact, which was approved in 2000 by the United Nations Economic and Social Council, differs from other international agreements. In this compact, governments do not have a role in regulating MNEs. The United Nations directly supports MNEs to regulate non-compulsory rules with the tools of dialogue, learning and partnership projects. Such an initiative brought a flood of criticism. (1) Its 10 principles are vague. (2) The Compact supports the capture of the United Nations. (3) The Compact is not accountable. The current article is based on the premise that the requirement for this compact is crucial and (a) vague principles are designed to allow MNEs to provide new solutions, (b) the intervention of MNEs in policymaking leads to the systematization of unwritten and behind-the-scenes policies. (c) The criticism of the non-accountability is due to a lack of understanding of the true nature of the compact.

Keywords: Environmental rights, Global Compact, Human rights, Labor rights, Multinational Enterprises Regulation.

پیمان جهانی به مثابه یک موافقت نامه مکمل جهت تنظیم گری شرکت های چندملیتی

چکیده

پیمان جهانی سازمان ملل متحد، هم اینک با بیش از ۲۳ هزار شرکت کننده داوطلب، بزرگ ترین طرح مبتکرانه سازمان ملل در به عضویت در آوردن شرکت های چندملیتی، ذیل یک موافقت نامه است. انگیزه پیمان، استحصال اصول حقوق بشر، کار، محیط زیست و فسادستیزی، در هنجار شرکت های چندملیتی است. این پیمان که در سال ۲۰۰۰ در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تصویب شد، در نوع نگرش تنظیم گری شرکت های چندملیتی، تفاوتی اساسی با دیگر توافقات بین المللی دارد. در این پیمان، دولت ها نقشی در تنظیم گری شرکت های چندملیتی ندارند و سازمان ملل راساً، شرکت های چندملیتی را با ابزارهای گفتگو، یادگیری و طراحی پروژه های مشترک، به رعایت ضوابط کارآمد غیر الزامی از طرف خودشان ترغیب کرده است. چنین ابتکاری، سبلی از انتقادات را به همراه آورد؛ مهم ترین این انتقادات عبارتند از اصول مبهم پیمان، استیلا سازمان ملل به دست شرکت ها و عدم پیش بینی پاسخگویی شرکت های متخلف. مقاله حاضر بر این مبنا استوار است که نیاز به پیمان در جهان امروز، امری ضروریست و اصول مبهم، به مراد مجال یافتن شرکت ها در ارائه راه حل های جدید طراحی شده و مداخله شرکت ها در سیاست گذاری، موجب منظوم کردن سیاست های نانوخته و پشت پرده شرکت ها می شود و انتقاد عدم پاسخگویی شرکت متخلف، ناشی از درک ناصحیح ماهیت پیمان می باشد.

کلیدواژه ها: پیمان جهانی، حقوق بشر، حقوق کار، حقوق محیط زیست، شرکت های چندملیتی.

مقدمه

نظارت بر شرکت‌های چندملیتی، موضوعی است بی‌غایت مهم و چالش برانگیز. کم نیستند فجایعی که به درازای تاریخ و به عرض جغرافیایی در سرتاسر این کره خاکی، به دست شرکت‌های چندملیتی پدید آمده‌اند. به همین خاطر، جامعه حقوقی پیوسته به دنبال ارائه راهکار برای تنظیم‌گری شرکت‌ها بوده است؛ از کنواسیون‌های عدیده سازمان ملل پیرامون حقوق بشر و محیط زیست گرفته تا رهنمودهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه سازمانی^۱ و سازمان بین‌المللی کار^۲، جملگی در پی ایجاد و تبیین مقررات‌گذاری رفتار شرکت‌ها هستند تا در صورت تخطی از اصولی که مقررات‌گذاری نموده‌اند، شرکت‌ها را مسئول بشناسند. در این میان، ابتکار پیمان جهانی این است که برخلاف تمامی موافقت‌نامه‌هایی که تا به اکنون خلق شده‌اند، مجالی به دولت‌ها نداده و شرکت‌ها را مستقیم با سازمان ملل پیوند داده است.

در سال ۱۹۹۹، کوفی عنان^۳، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، هنگام سخنرانی در مجمع جهانی اقتصاد^۴ در داووس^۵، نیاز به آنچه را که در آن زمان یک پیمان جهانی^۶ خواند را تشریح کرد. عنان پیشنهاد کرد که "شما، رهبران تجاری که در داووس جمع شده اید، و ما، سازمان ملل متحد، یک پیمان جهانی از ارزش‌ها و اصول مشترک را آغاز می‌کنیم که چهره‌ای انسانی به بازار جهانی می‌بخشد"^۷. این سخنرانی که در راستای اصول و ارزش‌های مشترک شرکت‌های چندملیتی و سازمان ملل ایجاد گردید، با پیشنهاد یک طرح مبتکرانه، شرکت‌ها را در به رسمیت شناختن جهت تنظیم‌گری خود، مستقیماً طرف مقابل سازمان ملل قرار داد و به طور رسمی در سال ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل در نیویورک با حمایت ۵۰ تن از مدیران شرکت‌های چند ملیتی، آژانس‌های سازمان ملل متحد، اتحادیه‌های کارگری جهانی و انواع سازمان‌های غیردولتی، در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تصویب شد.

^۱ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۲ International Labour Organization (ILO)

^۳ Kofi Annan

^۴ World Economic Forum

^۵ Davos

^۶ Global Compact

^۷ Oliver F. Williams, "The United Nations global compact: What did it promise?", *Journal of business ethics*, Volume. 122, (2014), at 241-251.

از زمان تصویب پیمان جهانی در سال ۲۰۰۰، همزمان انتقادات و حمایت های زیادی از سازمان ملل متحد برای این طرح صورت گرفت. پیمان جهانی، بزرگترین طرح مبتکرانه و داوطلبانه تابعیت فعال شرکت های چندملیتی در حقوق بین الملل را ایجاد کرده بود.^۱ تا قبل از این طرح، سازمان ملل در مقابل کشورها قرار داشت و تنظیم گری صورت گرفته میان آنها از طریق رویارویی کشورها و شرکت ها دنبال می شد و شرکت ها بدون هیچ دخالتی، صرفاً به عنوان یک مخاطب حقوق بین الملل حضور داشتند که بایستی از تنظیم گری ایجاد شده دولت ها و سازمان ملل تبعیت می کردند؛ اما ابتکار پیمان جهانی این بود که سازمان ملل مستقیم با شرکت ها وارد یک موافقت نامه ای شود که دیگر مقررات - گذاری پیرامون فعالیت آنها تنها زیر سایه وضع قوانین دولت ها نباشد و شرکت ها نیز از طریق ابزار های گفتگو، یادگیری و طراحی پروژه های مشترک، در وضع مقررات گذاری خود دخیل باشند.

طبیعی است هر ابتکاری در فضای انعطاف ناپذیر حقوق بین الملل، ایراداتی را به همراه داشته باشد؛ پیمان جهانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این وجود برای درک بهتر پیمان لازم است پس از ارائه تاریخچه ای پیرامون شکل گیری پیمان و شناخت موضع کشورها پیرامون آن، اصول مندرج در پیمان معرفی شود، اعضای آن مورد شناسایی قرار گیرد و نحوه کارکرد آن بررسی شود. سپس سه انتقاد اساسی علیه پیمان جهانی مورد بحث قرار می گیرد. این سه انتقاد عبارتند از این که اولاً ۱۰ اصل پیمان مبهم است و قابلیت اجرای درست را ندارند و ثانياً زمینه سازی استیلا سازمان ملل توسط شرکت های چند ملیتی بزرگ را فراهم می آورد و در آخر به دلیل عدم وجود نظارت اجرایی و الزام آور حقوقی، قابلیت پاسخگویی شرکت ها در آن وجود ندارد. مراد مقاله، صحت سنجی چنین ادعاهایی است و در صورت امکان بطلان انتقادات، زمینه سازی است برای ترویج پیمان جهانی.

۱. تاریخچه شکل گیری پیمان جهانی

^۱ T. A. Hemphill, "The United Nations Global Compact: the business implementation and accountability challenge. International Journal of Business Governance and Ethics", Volume. 4, Issue. 1, (2005).

نام خانوادگی نویسنده اول و دوم (بیش از دو نویسنده نام خانوادگی نویسنده اول و همکاران | ۵

برای واکاوی صحیح تاریخچه شکل‌گیری پیمان جهانی شایسته است تا شرایط حاکم بر پیش از تصویب آن که به نوعی سنگ بنای پیمان جهانی می‌باشد مورد بررسی قرار گیرد.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، نگرانی‌های متعددی از رفتار شرکت‌های چندملیتی و تاثیر آن‌ها در جامعه جهانی و کشورها صورت گرفت.^۱ به همین سبب سازمان ملل متحد، نقش و تاثیر شرکت‌های چندملیتی را مورد توجه قرار داد. در ۲ ژوئیه ۱۹۷۲، شورای اقتصادی و اجتماعی^۲ با تصویب قطعنامه ۱۷۲۱ (LIII) خواستار مطالعه‌ای در مورد نقش شرکت‌های چندملیتی و تاثیر آنها بر روند توسعه شد و کمیسیون شرکت‌های فراملی مستقر در شورای اقتصادی و اجتماعی^۳ را موظف به تنظیم یک سری قواعد رفتاری نظارتی^۴ نمود.^۵ با این حال، در بیست سال فعالیت از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۴، کمیسیون مشارالیه قادر به نهایی کردن یک قواعد رفتاری نظارتی نشد.^۶ این امر ارتباط زیادی با ماهیت سیاسی رأی‌گیری سازمان ملل در این دوره داشت که با مواضع جنگ سرد، اختلافات پسااستعماری و درگیری تدریجی بر سر نظم نوین اقتصادی بین‌المللی^۷ آمیخته شده بود.

به عنوان نمونه کمیسیون در برگزاری سومین جلسه خود در سال ۱۹۷۷، اولین رأی‌گیری را بر سر موضوع توقف سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در کشور آفریقای جنوبی به دلیل وجود نظام آپارتاید در آن زمان انجام داد. در این رأی‌گیری تمامی کشورهای درحال توسعه و کمونیستی با اجرای آن موافق بوده اما چهار کشور فرانسه، آلمان غربی، ایالات متحده و انگلستان رأی منفی داده و ۷ کشور غربی نیز رأی ممتنع دادند.^۸ چنین الگوی رأی‌گیری، نشانه شکاف ایدئولوژیک در کمیسیون و ناتوانی نهایی آن در دستیابی به اجماع در

¹ United Nations, *Yearbook of the United Nations*, (New York: Office of Public Information, 1976), p480.

² The Economic and Social Council (ECOSOC)

³ The ECOSOC-based Commission on Transnational Corporations

⁴ Regulatory code of conduct

⁵ United Nations, *Yearbook of the United Nations*, Vol. 27 (New York: Office of Public Information, 1976), p. 424. See also ECOSOC Resolution No. 161-LIII.

⁶ David, Coleman. "The United Nations and transnational corporations: From an inter-nation to a "beyond-state" model of engagement." *Global Society*, Volume. 17, no. 4 (2003), p349.

⁷ New International Economic Order (NIEO)

⁸ J. Feld Werner, *Multinational Corporations and UN Politics: The Quest for Codes of Conduct* (Frankfurt: Pergamon Press, 1980), p. 55.

مورد تنظیم قواعد رفتاری شرکت‌ها بود. به همین ترتیب و با نمونه‌هایی مشابه در سال‌های بعدی نیز، تفاوت ایدئولوژیک سیاسی اقتصادی کشورها مانع بزرگی در رسیدن به تنظیم این قواعد گردید.^۱ در عصری که بلوک غرب و شرق بر اصول اولیه اقتصاد اختلاف نظر پایه‌ای داشته و سیل عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان ملل با داشتن حق رای یکسان و نگرش منفی‌ای که این کشورها در دهه ۷۰ و ۸۰، نسبت به شرکت‌های چندملیتی داشتند و همچنین تاثیرگذاری کشورهای صادرکننده نفت، بر معادلات جهانی، موجب شد تا قواعد رفتاری نظارتی پیشنهادی در مذاکرات بین‌المللی به بن بست رسد و در حد یک پیش‌نویس باقی بماند. به طوری که سازمان ملل در سال ۱۹۹۶ پایان کار کمیسیون را اعلام نموده و آن را از دستور کار خود حذف نمود.

لیک، طولی نکشید که فلسفه تنظیم‌گری شرکت‌های چندملیتی در جلوه‌ای نوین تجلی پیدا نمود. با ظهور پیمان جهانی در سال ۱۹۹۹ سعی شد تا خلاءهای پیشین پوشانده شود و بازیگران و فرایند اجرایی آن به طور اساسی تغییر نمود. ماهیت پیمان از یک موافقت‌نامه بین‌المللی^۲ به موافقت‌نامه‌ای فراملیتی^۳ تعبیر شد. چنین ابتکاری زمینه‌ساز آن شد که دبیرخانه سازمان ملل به طور مستقیم و بی‌واسطه با بازیگران غیر دولتی (که شامل شرکت‌های فراملی و سایر ذینفعان غیردولتی هستند) تعامل داشته و دولت‌ها هیچ نقش محوری در خلق پیمان نداشته باشند.^۴ با این همه و پس از آغاز به کار پیمان، تصویب میان دولت‌ها نیز به صورت تدریجی و با تأخیر از طریق مجموعه‌ای از قطعنامه‌های مجمع عمومی به وقوع پیوست.^۵ در پیچ و خم تصویب چنین قطعنامه‌هایی نیز مشابه فرآیند تصویب قواعد رفتاری، مکرراً پاره‌ای از حکومت‌ها در برابر پیمان‌نامه جهانی واکنش منفی نشان داده و این روند را تضعیف دولت‌ها در اداره بین‌المللی امور می‌دانند.

^۱ Ibid., p.57.

^۲ Global inter- nation agreement

^۳ Global beyond-state agreement

^۴ Andreas Rasche, Sandra Waddock & Malcolm McIntosh. "The United Nations global compact: Retrospect and prospect." *Business & Society*, Volume. 52, no. 1 (2013), p13.

^۵ از جمله قطعنامه‌های اخیر پیرامون پیمان جهانی می‌توان به قطعنامه A/RES/76/224 (2021) و A/RES/73/254 (2019) اشاره نمود. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

<https://unglobalcompact.org/about/government-recognition/general-assembly-resolutions> (آخرین بازدید ۲۹ مهرماه ۱۴۰۲)

تحقیقاتی که در مورد ترکیب اعضا صورت می‌پذیرد، نگرش‌های جالب توجه متنوعی را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه بر مبر دریافت که پیمان، جای پای محکمی در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور به دست آورده است. تحقیقات او همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌های اروپای غربی در مقایسه با همتایان آمریکایی خود بیش از حد در این طرح حضور دارند. اگرچه مشارکت ایالات متحده در طول زمان افزایش یافته است، اما هنوز با در نظر گرفتن قدرت اقتصادی اقتصاد ایالات متحده و تعداد شرکت‌های چندملیتی این کشور، عدم تعادل قابل توجهی وجود دارد.^۱ زیگلر ذکر کرده است که همبستگی با اصول و ارزش‌های سازمان ملل به طور کلی در اتحادیه اروپا بیشتر از ایالات متحده و سایر نقاط جهان است.^۲ البته لازم به ذکر است که با آنکه چین و هند بزرگترین شبکه‌های محلی را نشان می‌دهند اما در این تحقیقات روی بحث درباره الگوهای مشارکت در منطقه آسیا و اقیانوسیه متمرکز نشده است. مطالعه بنی، برنهایگن و میچل نشان می‌دهد که تنوع بین کشورها در تعهد به سازمان ملل بر سطوح مشارکت در پیمان جهانی تأثیر می‌گذارد. پیمان جهانی شرکت کنندگان بیشتری را از کشورهایی که به شدت به سیستم سازمان ملل متعهد هستند جذب می‌کند.^۳ پرکینز و نیومایر نیز به روشی مشابه دریافتند که شرکت‌های کشورهای دموکراتیک‌تر احتمال بیشتری برای مشارکت در پیمان جهانی دارند.^۴ بارکمایر و ناپولیتانو دریافتند که بیش از نیمی از اعضا در یکی از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (OECD) مستقر بودند؛ سایر کشورهایی که تعداد زیادی از سازمان‌های آن‌ها در پیمان نامه عضویت دارند از این قرارند: فیلیپین، برزیل، هند، چین، سریلانکا و کامرون. شرکت‌های چندملیتی بزرگ از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (OECD) به احتمال زیاد گزارش‌های خود را به موقع ارائه می‌کنند، در حالی که

¹ Jennifer Ann. Bremer, "How global is the Global Compact?." *Business Ethics: A European Review*, Volume. 17, no. 3 (2008), p.229.

² Oliver Ziegler, "Global Compact membership in Europe and the US: A case study of the automobile industry." *Journal of Corporate Citizenship* Volume. 26 (2007).

³ Lynn Bennie, Patrick Bernhagen & Neil J. Mitchell. "The logic of transnational action: The good corporation and the Global Compact." *Political Studies*, Volume. 55, no. 4 (2007).

⁴ Richard Perkins & Eric Neumayer. "Geographic variations in the early diffusion of corporate voluntary standards: comparing ISO 14001 and the Global Compact." *Environment and planning A*, Volume. 42, no. 2 (2010).

شرکت‌های کوچک و متوسط (SMES) از کشورهای غیر عضو با خطر بیشتری برای حذف از فهرست مواجه هستند.^۱

۲. نحوه کارکرد پیمان جهانی

قبل از تحلیل و بررسی انتقادات وارده بر پیمان بایستی نخست با نحوه کارکرد آن آشنا شده و برای شناسایی نحوه کارکرد پیمان جهانی باید ابتدا ۱۰ اصل پیمان را شناخت و سپس با اعضای که در پیمان جهانی ذی نفع هستند، آشنا شد و در آخر سازوکار تعامل این اعضا با یکدیگر را بررسی کرد؛ از همین رو بخش حاضر به ترتیب موارد مذکور تقسیم می‌شود.

۲-۱. ۱۰ اصل پیمان جهانی

از ابتدای مطرح شدن تنظیم‌گری شرکت‌های چندملیتی، سوالی که پیش می‌آمد این بود که این تنظیم‌گری در راستای چه اهدافی بایستی ظهور پیدا کنند؟ ازین‌رو در اسناد بین‌المللی دغدغه‌های زیادی وجود داشت. پیمان جهانی نیز در این مورد از دیگر اسناد مستثنی نبوده و چهار هدف اجرای حقوق بشر، حقوق کار، حفظ محیط زیست و مبارزه با فساد را به عنوان سنگ بنای پیدایش خود، ایجاد کرد و سپس ۱۰ اصلی را مطرح کرد که از دل این چهار هدف بیرون آمده است. این ده اصل بدین شرح نوشته شده‌اند:

- ۱) حمایت و احترام به پاسداری از حقوق بشر پذیرفته شده بین‌المللی
- ۲) عدم مشارکت در نقض حقوق بشر
- ۳) آزادی تشکیل اجتماعات و شناسایی موثر حق چانه زنی جمعی کارگران
- ۴) لغو تمام اشکال کار اجباری و الزامی
- ۵) لغو موثر کار کودکان
- ۶) لغو تبعیض در استخدام و اشتغال
- ۷) رویکرد پیشگیرانه به چالش‌های زیست محیطی
- ۸) برعهده گرفتن مسئولیت بیشتر در رابطه با محیط زیست
- ۹) حمایت از توسعه و اشاعه تکنولوژی‌های غیر مخرب زیست محیطی

¹ Ralf Barkemeyer & Giulio Napolitano. "The UN Global Compact: Moving towards a critical mass or a critical state?" Academy of Management Proceedings, volume. 209, no. 1, (2009).

۱۰) مبارزه با تمام اشکال فساد شامل اخاذی و ارتشاء در راستای شرح و تاویل ۱۰ اصل فوق بایستی متذکر شد که این ۱۰ اصل، از اسناد بین المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار سازمان بین المللی کار و اعلامیه محیط زیست و توسعه ریسک نشات گرفته شده است و دو اصل نخست مربوط به حقوق بشر می باشد و بیان می دارد که شرکت ها باید به حمایت از حقوق بین المللی بشر احترام بگذارند و اطمینان حاصل کنند که در تجاوزات حقوق بشری همدستی ندارند. اصول ۳ تا ۶ مربوط به حقوق کار و شامل هر چهار استاندارد اصلی پذیرفته شده در زمینه حقوق کار است. اصول ۷ تا ۹ از ترویج حقوق زیست محیطی و اصل ۱۰ بر علیه فساد سخن می گوید. ازین رو این ده اصل به عنوان رویه های مطلوب و پذیرفته جامعه جهانی شدند که مورد حمایت سازمان ملل قرار گرفته و عضوی از مسئولیت اجتماعی شرکت ها در آمدند و از شرکت ها انتظار می رود آنها را در حوزه های مربوطه رعایت کنند.

۲-۲. اعضای فعال در پیمان جهانی

در پیمان جهانی، چهار عضو اصلی وجود دارند که شبکه پیمان جهانی را ایجاد کرده اند.^۱ همانطور که در مقدمه گفته شد، پیمان جهانی حاصل ابتکار یک طرح بدیل توسط سازمان ملل برای رویارویی مستقیم با شرکت های چندملیتی بود. تا قبل از این طرح، کشورها یا در قالب یک ساختار داخلی و یا در قالب یک ساختار بین المللی در یک نهاد بین المللی مانند سازمان ملل دور هم جمع می شدند و اصول مربوط به مقررات گذاری شرکت ها را تنظیم می کردند. در این چنین موافقت نامه ها که هم چنان نیز وجود دارند، شرکت های چندملیتی تقریباً هیچ نقش فعالی در درج اصول و مقررات نداشته و همیشه به دید یک تنظیم شونده اجباری دیده می شدند که بایستی از مقررات حاصل شده تبعیت کنند. اما این پیمان، حاصل یک موافقت نامه به طرفین سازمان ملل و شرکت های چندملیتی بود؛ ازین رو اولین عضو پیمان که در مرکز آن نیز قرار می گیرند، شرکت های چند ملیتی هستند. در حال حاضر بیش از ۲۳ هزار شرکت چندملیتی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، در این پیمان عضو هستند^۲ و تشویق می شوند تا فعالانه در گفتگوی میان اعضا شرکت کنند و

^۱ G. Kell & D. Levin, "The global Compact network: An historic experiment in learning and action." *Business and Society Review*, Volume. 108, (2003).

^۲ <https://unglobalcompact.org> (Last visited: 8/23/2023).

۱۰ اصل را در عملیات خود ادغام کنند. شرکت های عضو موظفند نه تنها به طور عمومی از پیمان جهانی (به عنوان مثال، از طریق بیانیه های مطبوعاتی و سخنرانی ها) حمایت کنند، بلکه سالانه نحوه اجرای ۱۰ اصل و پیشرفت هایشان را با ارائه گزارش پیشرفت^۱ افشا کنند. دومین عضو پیمان که مستقیماً طرف مقابل شرکت ها قرار می گیرند، سازمان ملل متحد به همراه آژانس ها و دفاتر متنوع آن است. مهم ترین دفتر سازمان ملل در رابطه با پیمان، دفتر پیمان جهانی^۲ است که متعلق به دفتر اجرایی دبیر کل سازمان ملل می باشد و وظیفه تعیین چارچوب های اداری و خط مشی و سیاست گذاری پیمان و نظارت بر شرکت ها را دارد. علاوه بر این دفتر، شش آژانس دیگر از سازمان ملل تحت عنوان کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، سازمان بین المللی کار، برنامه محیط زیست سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و دفتر سازمان ملل متحد در امور مواد مخدر و جرم، به عنوان نهادهای مشاور در زمینه های تخصصی برای راه اندازی و هدایت پروژه های مشترک تجاری سازمان ملل متحد که تحت پیمان جهانی ایجاد می - شوند، ایفای نقش می کنند.^۳

تا این جا دو عضو اصلی پیمان که در طرف یکدیگر در موافقت نامه قرار می گیرند، شناخته شدند؛ اما دو عضو دیگر نیز در پیمان وجود دارد که این شبکه را کامل می کند. عضو سوم پیمان، سازمان های غیر دولتی و مردم نهاد مانند جوامع مدنی و کارگری هستند که می توانند نقش مهمی را در جهت اهداف پیمان ایفا کنند. علت به رسمیت شناختن این سازمان ها در بین اعضای فعال پیمان به دلیل دو مورد است؛ مورد اول آن است که این سازمان ها اصولاً به دلیل فلسفه شکل گیری خود، در پی رسیدن به حل مشکلات تخصصی در زمینه های منطقه ای و یا جهانی هستند و از لحاظ مالی و فنی عموماً مورد استقبال مردم قرار می گیرند و از همین رو دانش تخصصی بالایی در یک موضوع پیدا می - کنند که می توانند در گفتگو با شرکت ها برای ایجاد مقررات گذاری در کنار شرکت ها، بسیار شایسته عمل کنند؛ و دومین مورد که از درون مورد نخست نشأت می گیرد این است که به دلیل دانش فنی تخصصی خود نسبت به دولت ها، صلاحیت مناسب تری برای نظارت بر اعمال شرکت ها پیدا می کنند. زیرا طبیعی است که نهاد ناظر اگر اطلاعاتش در مورد

^۱ Communication on Progress (COP)

^۲ The Global Compact Office

^۳ Stephen Browne, *United Nations Development Programme and System (UNDP)*, (Oxford: Routledge, 2012).

مسائل، پایین‌تر از یک شرکت باشد، نمی‌تواند تخلفات آن را به درستی نظارت کند و شرکت متخلف ممکن است به راحتی با دستکاری بر داده‌های خود از بی‌اطلاعی نهاد ناظر سواستفاده کرده و آن را دور بزند.

آخرین عضو از شبکه پیمان، دولت‌ها هستند که با تنظیم چارچوب‌های نظارتی در سطح ملی و فراملی، امکان اجرای ۱۰ اصل را تسهیل کرده و با ایجاد بستری قانونی، به عنوان نیرویی توانمند، ۱۰ اصل موجود را تقویت می‌کنند. نکته‌ای که در بخش آخر و پیرامون شناخت دقیق‌تر ماهیت پیمان به عنوان یک موافقت‌نامه مکمل پرداخته می‌شود، این است که دولت‌ها با حضور هر چند منفعلشان در این پیمان، می‌توانند با مقررات گذاری‌هایی که دیگر اعضا در اختیارشان قرار می‌دهند، آشنا شده و با درونی‌سازی این اطلاعات در مقررات گذاری و تنظیم‌گری داخلی خود، کاراتر از قبل عمل کنند.

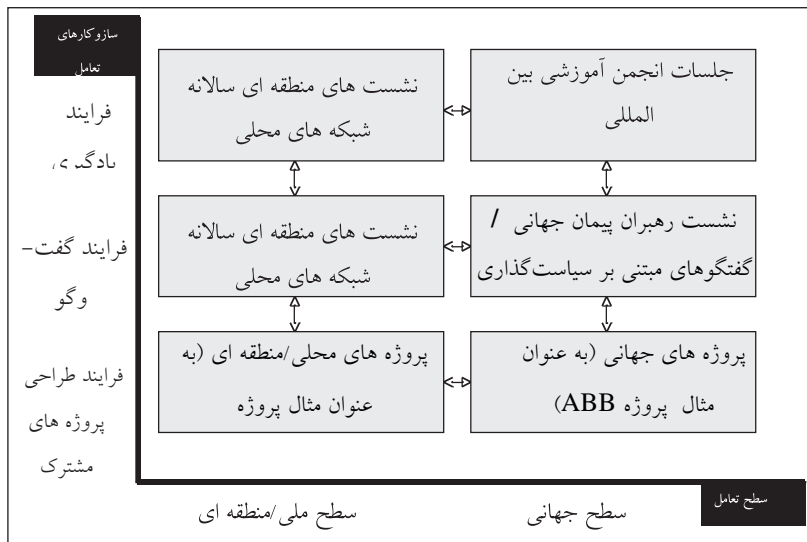
۲-۳. سازوکار تعامل میان اعضا

پیمان جهانی پیوند اعضای خود را از طریق سه سازوکار تعاملی تحت عناوین گفتگو، یادگیری و طراحی پروژه‌های مشترک، انجام می‌دهد. این سه سازوکار در خدمت ایجاد اهداف پیمان هستند و شرکت‌ها را قادر می‌سازند تا مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک را در بازار جهانی ایجاد کنند و با یادگیری و گفتگو، آن را اصلاح و گسترش دهند.

سازوکارهای تعامل برای عملکرد در سطح جهانی و ملی/منطقه‌ای طراحی شده‌اند. در سطح ملی/منطقه‌ای، مشارکت از طریق شبکه‌های محلی که تاکنون در بیش از ۷۰ کشور ایجاد شده است، اتفاق می‌افتد. شبکه‌های محلی به‌عنوان بستری برای ایجاد ارتباط نزدیک بین مشکلات زمینه‌ای در سطح محلی رشد می‌کند و ایده‌ها و تعهدات انتزاعی‌تر در سطح جهانی توسعه می‌یابند. به نوعی شبکه‌های ملی/منطقه‌ای، راه‌حل‌های جهانی را در عمل پیاده‌سازی می‌کنند و در عین حال مبتکرانی هستند که به دنبال راه‌هایی برای اجرای ۱۰ اصل با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌های یک بافت محلی هستند.^۱ در ادامه، سه سازوکار تعامل معرفی شده و نقش آنها در سطح جهانی و ملی/منطقه‌ای شرح داده شده است (شکل ۱).

^۱ D. Levy, "Political contestation in global production networks", *Academy of Management Review*, Volume 33, (2008), at 945.

شکل ۱. تشریح سازوکار تعامل پیمان جهانی در سطح ملی/منطقه ای و جهانی



۲-۳-۱. فرایند طراحی پروژه های مشترک

فرایند طراحی پروژه های مشترک پیمان جهانی به معنای همکاری فعال بین شرکت ها، سازمان ملل و سازمان های مردم نهاد و دولت ها تحت چتر ۱۰ اصل پیمان است. پروژه های مشترک به دنبال کشف زمینه یکسان میان منافع بخش خصوصی و دولتی و در نتیجه ترکیب و استفاده از مهارت ها و منابع موجود در هر دو طرف هستند. اغلب مشارکت ها در حمایت مستقیم از موضوعات مورد بحث در محل های مختلف گفتگو رخ می دهد. به عنوان مثال، پروژه دایملر کریسلر^۱ با همکاری آژانس توسعه آلمان^۲ پروژه ای را برای مقابله با افزایش بیماری ایدز/اچ آی وی^۳ در آفریقای جنوبی راه اندازی کرده است. این پروژه در حمایت مستقیم از گفتگوهای مبتنی بر سیاست گذاری پیمان جهانی ۲۰۰۳ در مورد این موضوع است.^۴ در حالی که برخی از پروژه های مشارکتی در یک زمینه محلی تعبیه شده اند، برخی دیگر از گستره جهانی بیشتری برخوردار هستند. به عنوان مثال در پروژه ای بی

^۱ DaimlerChrysler

^۲ Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit

^۳ HIV/AIDS

^۴ Oliver F. Williams, "The UN Global Compact: The challenge and the promise", Business Ethics Quarterly Volume. 14, Issue. 4, (2004), at 755.

بی^۱ دویچه تلکام^۲، یک ابتکار جهانی ارتباطات را آغاز کرده است که هدف آن پر کردن شکاف دیجیتال در نقاط مختلف جهان است.^۳

۲-۳-۲. فرایند گفت‌وگو

فرایند گفتگو در مورد شناسایی موضوعات جدید و اضطراری است که به هر یک از ۱۰ اصل مربوط می‌شود. با این حال، همچنین سعی در ایجاد روابط و اعتماد با سایر اعضا در ورود به پروژه های مشترک را دارد. در سطح جهانی، پیمان انواع گفتگوهای مبتنی بر سیاست گذاری را ایجاد کرده است که بر موضوعات خاص (به عنوان مثال، نقش بخش خصوصی در مناطق مشخص) تمرکز دارد. این جلسات به عنوان یک بستر بین المللی برای بحث در مورد مشکلات و به دست آوردن درک متقابل در مورد راه حل های ممکن عمل می‌کند. شکل دیگری از گفتگوی جهانی، اجلاس سه ساله جهانی رهبران پیمان است که مدیران شرکت های تجاری و سازمان های مردم نهاد را گرد هم می‌آورد تا مسیر استراتژیک پیمان را ترسیم کند. در سطح محلی، شبکه‌ها تشویق می‌شوند تا گفتگو را در مورد موضوعات مرتبط با آنها تسهیل کنند و ایده‌های توسعه یافته در کنفرانس های شبکه منطقه‌ای را به اشتراک بگذارند. گفت‌وگو در سطح محلی نیز ارزشمند است، زیرا به شرکت های کوچک و متوسط^۴ که در سطح جهانی امکان حضور ندارند، اجازه می‌دهد تا با سایر شرکت‌ها و سازمان های مردم نهاد بزرگ وارد بحث و گفت‌وگو شوند.

۲-۳-۳. فرایند یادگیری

فرایند یادگیری ارتباط نزدیکی با فرایند گفتگو دارد. با این حال، این فرایند بیشتر بر به اشتراک گذاری راه حل های موجود و بهترین شیوه ها تمرکز می‌کنند و بنابراین به طور خاص هدفش یافتن راه های جدید برای ترویج این ۱۰ اصل نیست. یادگیری فرایندی بسیار مهم است زیرا شرکت‌ها می‌توانند از شیوه های کارآمد و عملی یکدیگر بیاموزند و بنابراین از نمونه گزارش های قابل توجهی که با توجه به منطقه و بخش آنها توسعه یافته است پیروی کنند. در سطح جهانی، یادگیری از طریق تعامل های مستقیم مانند نشست

¹ ABB

² Deutsche Telekom

³ Ibid. at 757.

⁴ Small And Medium-Sized Enterprises (SMEs)

انجمن بین‌المللی یادگیری و همچنین وب‌سایت پیمان جهانی^۱ رخ می‌دهد و از شرکت‌ها خواسته می‌شود که مطالعات موردی و شرح بهترین شیوه‌ها را به وب‌سایت کدکور ارائه کنند تا سایر شرکت‌کنندگان را قادر به تکرار و در نتیجه انتشار راه‌حل‌های موجود کنند. دفتر پیمان جهانی همچنین یک سری مطالعه موردی منتشر کرده است که نمونه‌هایی را دسته‌بندی می‌کند. در سطح محلی، جلسات به عنوان مبنایی برای یادگیری و انتشار بهترین شیوه‌ها عمل می‌کند. این جلسات و نشست‌ها اعضا را قادر می‌سازند تا با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و فرصت‌های منطقه و یا بخش خود، از یکدیگر بیاموزند. به عنوان مثال، جلسات بریتانیا یک فرآیند بررسی اعضا از گزارش ارائه میزان پیشرفت‌های ارائه شده را راه‌اندازی کرده است که به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد یاد بگیرند که چگونه کیفیت گزارش ارائه میزان پیشرفت‌های خود را بهبود بخشند.

در آخر باید گفت همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، سه مکانیسم تعامل در کنار یکدیگر کار می‌کنند؛^۲ مکانیسم‌های تعامل به تنهایی نمی‌توانند تضمین کنند که یک شرکت به اهدافی که پیمان دارد، عمل می‌کند؛ بلکه شرکت بایستی از طریق یادگیری، گفتگو و طراحی پروژه مشترک باید تعامل داشته باشد.

۳. انتقادات موجود بر ماهیت پیمان

گفته شد از زمان آغاز به کار، پیمان جهانی با انتقادات زیادی از سوی افراد مختلف مواجه شده است. در این بخش قصد داشته تا سه نقد مهمی که به ماهیت پیمان ایجاد وارد شده است، بررسی شود. البته لازم به ذکر است که مواردی که در ادامه اشاره می‌گردند حصری نبوده و انتقادات دیگری مانند "عدم جدیت" مشاهده شده از سوی اعضای پیمان^۳ و یا تمرکز بیش از حد بر مشارکت شرکت‌های چندملیتی بزرگ^۴ غربی در مقایسه با شرکت

^۱ <https://unglobalcompact.org/> (Last visited: 8/23/2023).

^۲ به عنوان مثال، طراحی پروژه‌های مشترک اثرات یادگیری ایجاد می‌کنند.

^۳ S. Deva, "Global Compact: A critique of the UN's public-private partnership for promoting corporate citizenship", *Syracuse Journal of International Law and Communication*, Volume. 34, (2006), at 113.

^۴ MNC

های کوچک یا متوسط^۱ کشورهای در حال توسعه نیز از جمله انتقاداتی می‌باشند که به این پیمان وارد شده‌اند.

۱-۳. مبهم بودن اصول و سختی اجرای آن

اولین انتقاد مطرح شده، مربوط به عدم وضوح پیمان در مورد ۱۰ اصلی است که در بخش ۱-۱ به آن اشاره شد. به عنوان مثال، دوا^۲ اشاره دارد که این اصول به سختی راهنمایی مشخصی برای شرکت‌ها در مورد رفتار مورد انتظار ارائه می‌دهند و استدلال می‌کند که "زبان این اصول آنقدر کلی است که شرکت‌هایی با سوءنیت می‌توانند به راحتی بدون انجام کاری از آنها پیروی کنند. به طور مشابه، نولان^۳ و بیگی^۴ نیز ادعا می‌کنند که پیمان با کمبود دقت در محتوا احاطه شده است که حتی سعی نمی‌کند اصول آن را برای اعضایش روشن کند. مرفی^۵ بنابراین نتیجه می‌گیرد که پیمان در بهترین حالت یک قانون حداقلی برای رفتار شرکت‌ها است.

۲-۳. به تسخیر در آمدن پیمان توسط شرکت‌های بزرگ

دومین انتقاد رایجی که توسط افراد منتقد مطرح می‌شود این است که پیمان به شرکت‌های بزرگ زمینه‌ای برای تصرف سازمان ملل می‌دهد. به عنوان مثال زمیت^۶ استدلال کرد که یک ناسازگاری اساسی بین منافع سیاست کشورهای در حال توسعه با منافع شرکت‌های چندملیتی بزرگ که از دل کشور های توسعه یافته آمده‌اند، وجود دارد و ترس از این است که شرکت‌های چندملیتی بزرگ با امضای طرح‌هایی مانند پیمان جهانی، مستقیم‌تر به دنبال منافع سیاسی خود در سازمان ملل باشند. چنین دیدگاهی توسط نولان^۷ نیز پذیرفته

¹ SME

² S. Deva, Ibid. at 129.

³ J. Nolan, "The United Nations global Compact with business: Hindering or helping the protection of human rights?", University of Queensland Law Journal, Volume. 24, (2005), at 460.

⁴ D.M. Bigge, "Bring on the bluewash—A social constructivist argument against using Nike v. Kasky to attack the UN global Compact", International Legal Perspectives, Volume. 14, (2004), at 11.

⁵ S. D. Murphy, "Taking multinational corporate codes of conduct to the next level", Columbia Journal of Transnational Law, Volume. 43, (2005), at 389.

⁶ Ann Zammit, *Development at risk: Rethinking UN-business partnerships*, (Geneva: South Centre, 2003), at 21.

⁷ J. Nolan, Ibid. at 465.

شده است و بیان می‌دارد روابط نزدیک بین سازمان ملل و شرکت‌های چندملیتی بزرگ، زمینه وسیعی را برای تسخیر فراهم می‌کند، به طوری که سازمان ملل، به‌عنوان قانون‌گذار مفروض، آگاهانه یا غیرعمد، بدون بحث یا رویه واقعی دموکراتیک شروع به اتخاذ دستور کار شرکت‌های چندملیتی بزرگ می‌کند.

پولیوت و ترین^۱ بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنند که ایجاد پیمان جهانی ممکن است باعث شود که سازمان ملل با تصرف شرکت‌های چندملیتی موضع غیرتجاری خودش را از دست بدهد و رفته رفته پارادایم فکری این سازمان همگام با شرکت‌ها شود و دغدغه اش کسب سود و به حداقل رساندن هزینه‌ها گردد و دیگر آن موضع سنتی و غیرتجاری خود در مسائل جهانی را نداشته و تصمیماتش تماما تحت تاثیر شرکت‌ها باشد که می‌تواند در آخر به خصوصی سازی خاموش آن منجر شود.

۳-۳. عدم پیش‌بینی پیمان در پاسخگویی شرکت‌ها در موارد سو استفاده

از حق

آخرین انتقادی که به پیمان وارد می‌شود و به نوعی مهم‌ترین انتقاد وارده هم هست، عدم پیش‌بینی پیمان در پاسخگویی شرکت‌ها در موارد سو استفاده از حق به دلیل عدم نظارت مستقل بر شرکت‌ها در صورت عدم رعایت اصول است. این بحث، شناخته شده ترین انتقادی است که در ۸ سال گذشته به طور مداوم در مطبوعات دانشگاهی و غیر دانشگاهی ظاهر شده است.^۲

نولان می‌گوید "پاسخگویی، یا بهتر است بگوییم فقدان آن، مسئله مهمی است که پیمان جهانی با آن مواجه است."^۳ منتقدان استدلال می‌کنند که فقدان نظارت جدی، عدم درج تحریم در قبال رعایت نکردن اصول، عدم وجود قوانین قابل اجرا و راستی‌آزمایی مستقل، سوءاستفاده از پیمان را به‌عنوان یک ابزار بازاریابی برای رشد شرکت‌های چندملیتی سوءاستفاده کننده، تقویت می‌کند.^۴ از این نظر، منتقدان پیمان بر این باورند که ضوابط پیمان و ماهیت آن طوری طراحی شده است که به شرکت‌های چندملیتی بزرگ و

¹ J. P. Thérien & V. Pouliot, "The global Compact: Shifting the politics of international development", *Global Governance*, Volume. 12, (2006), at 67.

² S. Deva, *Ibid.* at 146 & D.M. Bigge, *Ibid.* at 12.

³ J. Nolan, *Ibid.* at 462.

⁴ Fazal Rizvi, *Globalizing education policy*. (Oxford: Routledge, 2009).

قدرتمند اجازه می دهد تا علی رغم خطاها و تخلفات صورت گرفته، تصویر خود را در اذهان عمومی بلوواش^۱ کنند. اصطلاح بلوواش بدین معنی است که شرکت‌های چند ملیتی به دنبال پیوند دادن عملیات خود با پرچم آبی سازمان ملل برای کسب مشروعیت هستند و از این طریق ممکن است اعمالی که به همراه سوءنیت در این شرکت‌ها صورت می‌گیرد نه تنها خاصیت مجرمانه بودن خود را از دست دهند که با مشروعیت سازمان ملل رو به رو شوند که رسیدن به همچین مرحله ای می‌تواند برای اهداف حقوق بشر، کار و محیط زیست بسیار پرخطر باشد.

۴. دفاع از پیمان و پاسخی پیرامون انتقادات آن

در این بخش از مقاله به سراغ دفاع از انتقادات مطرح شده رفته و حین پاسخگویی به آن‌ها، با ماهیت پیمان بیشتر آشنا شده و می‌توان پاسخ به این که پیمان دقیقاً چه چیزی می‌باشد و چه قابلیت‌های به دنیا ارائه می‌دهد را یافت.

۴-۱. محدودیت ارائه راهکار مبتکرانه در صورت وجود اصول تفصیلی

بسیاری از منتقدان خواستار این هستند که پیمان به مثابه یک آیین‌نامه رفتاری کاملاً ساختار یافته باشد تا بتوان مطابقت عملکرد شرکت‌ها را با آن اصول اندازه‌گیری کرد؛ به همین دلیل اصول مبهم آن را به عنوان یک اشکال در ادامه مسیر پیمان تلقی کرده‌اند. با این وجود، همانطور که قبلاً ذکر شد، ایده اصلی پیمان ایجاد یک شبکه یادگیری و گفت‌گویی بلندمدت است که توسط اعضا برای به اشتراک گذاشتن ایده‌های نوآورانه و رسیدن به بهترین شیوه‌ها در مورد نحوه اجرای ۱۰ اصل استفاده می‌شود. این اصول معیاری را برای تبادل ایده‌ها، یادگیری و گفت‌وگو فراهم می‌کند و قرار نیست معیاری برای ارزیابی انطباق باشد. هدف ایجاد اجماع بین اعضا در خصوص رسیدن به بهترین شیوه‌هاست. اصول بیش از حد مشخص شده ممکن است حتی نتیجه معکوس داشته باشند، زیرا از همان ابتدا دامنه ارائه راه حل‌های مبتکرانه ممکن را محدود می‌کنند. این ۱۰ اصل فرصت ایجاد ابتکار در رسیدن به اهداف اجرایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند.

۴-۲. تنوع گسترده موجود میان شرکت‌های عضو

¹ Bluewash

پیمان جهانی به عنوان یک ابتکار جهانی بدون محدودیت در اندازه، بخش یا منطقه شرکت‌های چند ملیتی طراحی شده است. در حال حاضر، ۵۲ درصد از کل شرکت‌کنندگان را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که عمدتاً از اروپا، آمریکای لاتین و آسیا آمده‌اند.^۱ تنوع گسترده در اندازه شرکت، بخش، منطقه و منابع موجود شرکت‌های عضو، امکان ایجاد اصول یکپارچه را نمی‌دهد. به عنوان مثال، رویکرد احتیاطی به چالش‌های زیست‌محیطی برای یک شرکت چندملیتی بزرگ که در بخش شیمیایی فعالیت می‌کند، در مقایسه با یک شرکت کوچک و متوسط هندی که در صنعت فناوری اطلاعات تجارت می‌کند، معنای متفاوتی دارد. به همین علت است که کتابچه راهنمای برنامه توسعه ملل متحد برای اجرای پیمان جهانی می‌گوید که رویکردهای شرکت نسبت به ۱۰ اصل بسیار متفاوت است. این انعطاف‌پذیری پیمان باعث می‌شود که فضای قابل توجهی برای انطباق ابتکار عمل با نیازها و وضعیت خاص هر عضو وجود داشته باشد.

۳-۴. وجود دخالت سیاسی شرکت‌های چندملیتی فارغ از پیمان

در راستای انتقادی که در رابطه با تسخیر سازمان ملل توسط شرکت‌های چندملیتی مطرح گردید، به نظر می‌رسد درک این نکته مهم است که این پیمان جهانی نیست که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد به دستور کار سیاست‌گذارای در سازمان ملل متحد نزدیک تر شوند، بلکه شرکت‌ها در حال حاضر کاملاً مستقل از پیمان، خود تبدیل به بازیگرانی سیاسی شده‌اند.^۲ شرکت‌ها در دنیای امروز فارغ از عضویت در پیمان، در تمامی موضوعاتی که در دستور کار سازمان ملل قرار دارد دخالت می‌کنند؛ استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی را طراحی و اجرا می‌کنند^۳ و در حفظ صلح،^۴ ارائه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی،^۵ و مبارزه با فساد^۶ مشارکت دارند.

^۱ <https://unglobalcompact.org/> (Last visited: 8/23/2023).

^۲ G. Palazzo & A. G. Scherer, "Corporate legitimacy as deliberation: A communicative framework", *Journal of business ethics*, Volume. 66, (2006).

^۳ M. McIntosh, et al, *Living corporate citizenship—Strategic routes to socially responsible business*, (London: FT Prentice Hall: 2003).

^۴ T. L. Fort & C. A. Schipani, "The role of the corporation in fostering sustainable peace" *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Volume. 35, (2002).

^۵ Williams, *Ibid*.

^۶ G. F. Cavanagh, "global business ethics—Regulation, code, or self-restraint" *Business Ethics Quarterly*, Volume. 14, (2004).

پس وجود پیمان می‌تواند یک مهر اعتباری باشد بر فعالیتی که در عمل و در حال حاضر در حال اتفاق افتادن است، و این اعتبار که در قالب یک موافقت‌نامه بروز می‌دهد می‌تواند به ساختار بی‌قاعده دخالت شرکت‌ها اتفاقاً برخلاف انتقاداتی که صورت گرفت، شکل و نظم مناسب بدهد.

۴-۴. عدم پیش‌بینی نقش تنظیم‌گر در ماهیت پیمان

همانطور که گفته شد، مهم‌ترین انتقادی که بر پیمان وارد شد، عدم پاسخگویی شرکت‌ها در صورت عدم رعایتشان نسبت به پیروی از اصول پیمان بود. برای پاسخ به این ادعا ابتدا باید متذکر شد که نمی‌توان و نباید پیمان را به خاطر چیزی که هرگز تظاهر نکرده یا قصد آن را نداشته است مورد انتقاد قرار داد. همانطور که در مصاحبه‌ای با لیز کینگو، مدیر اجرایی در سال ۲۰۱۵ آمده است در یک بخشی در رابطه با ماهیت پیمان گفته شد که "پیمان جهانی به عنوان یک سگ راهنما می‌باشد و نه یک سگ نگهبان! و دفتر پیمان جهانی به دنبال اولویت دادن به تامین منابع و پشتیبانی شرکت‌ها به جای تلاش برای اعمال نظم و انضباط می‌باشد."^۱

با این حال پیمان جنس خاصی از حداقلی‌ترین حالت نظارت را پیش‌بینی کرده است که با ارائه گزارش پیشرفت اعضای آن،^۲ در مورد پیشرفتی که در اجرای اصول به صورت سالانه انجام داده اند، منعکس می‌شود. خط مشی گزارش پیشرفت به دفتر پیمان جهانی اجازه می‌دهد تا دیدی کلی از فعالیت‌های اصلی یک شرکت داشته باشد و همچنین از سایر اعضا مانند دولت‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد خواسته می‌شود تا از گزارش‌های پیشرفت ارائه‌شده به‌عنوان زمینه‌ای برای نظارت در مورد رفتار شرکت‌ها استفاده کنند. اگر شرکتی نتواند گزارش پیشرفت را در مدت یک سال ارائه کند، برچسب "شرکت فاقد گزارش"^۳ می‌گیرد و اگر این عدم گزارش به سال دوم برسد، برچسب "شرکت غیر فعال"^۴ گرفته و در صورت ادامه این روند تا سال سوم، آن شرکت به طور کامل از فهرست اعضا حذف می‌شود. این خط‌مشی تا به اکنون منجر به آن شده است که ۹۴۵ شرکت‌کننده

¹ Janelle Dumalaon, "Global Compact: A Guide Dog, Not A Watchdog", Dw.Com, Retrieved (26 January 2016).

^۲ که به COP معروف است.

³ Noncommunicating

⁴ Inactive

به‌عنوان شرکت فاقد گزارش، ۲۶۳ شرکت‌کننده به‌عنوان شرکت غیرفعال و ۶۳۰ شرکت‌کننده برای همیشه از فهرست حذف شده‌اند.^۱

۵. پیمان جهانی به مثابه یک موافقت‌نامه مکمل

پس از روشن شدن ماهیت پیمان در بخش قبلی، به انتقادات موجود تا حدودی پاسخ داده شد. در این بخش اما به عنوان حسن ختام مقاله قرار است با این تفسیر از پیمان که آن را به مانند یک موافقت‌نامه مکمل می‌داند آشنا شویم. کلمه مکمل از کامل‌کننده می‌آید و اما پیمان کامل‌کننده چه چیزی است؟ به عقیده نویسندگان مقاله حاضر، پیمان موافقت‌نامه- ایست که تنظیم‌گری ملی و بین‌المللی را کامل کرده و آن را به کارایی حداکثری می-رساند. حال برای درک این موضوع ابتدا لازم است با مفهوم تنظیم‌گری به طور مختصر آشنا شویم.

۱-۵. مفهوم تنظیم‌گری و نهاد تنظیم‌گر

اصطلاح تنظیم‌گری با توجه به اینکه از حوزه‌های غیر حقوقی وارد این عرصه شده است و از طرفی مفهومی عام است، دارای گستره متنوعی می‌باشد. در یک مفهوم کلی، تنظیم‌گری هدایتی است که در خصوص فعالیت‌های مربوط به شرکت‌ها و بازار، پیشگیری از عواقب فعالیت‌های انحصار و یا ضد حقوق بشری و یا به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی و برای تضمین منفعت عمومی صورت می‌گیرد و در صورت ناکارایی در اداره منابع عمومی و عدم حصول نفع اجتماعی، به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.^۲ این هدایت که همواره باید به صورت حداقلی و در صورت عدم بازخورد مناسب بازار ایجاد گردد،^۳ توسط دولت یا نهادهای تنظیم مقررات (دولتی یا خصوصی) با اختیارات قانونی انجام می‌گردد که نهاد تنظیم‌گر نامیده می‌شود.^۴ یک نهاد تنظیم‌گر

^۱ Browne, Ibid.

^۲ اسداله یآوری، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۹۳)، ص ۶۳۱.

^۳ سید احسان خاندوزی، «الزامات دولت تنظیم‌گر در اقتصاد ایران»، مجلس و پژوهش، دوره ۱۷، شماره ۶۴، (۱۳۹۰)، ص ۴۲.

^۴ عبدالحسین شیروی و فرشید فرحناکیان، «ابعاد حقوقی تنظیم‌گری مناسب در حکمرانی خوب صنعت نفت ایران»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۶، شماره ۲، (۱۳۹۸)، ص ۳۵۹.

شامل چارچوبی است که در آن کلیه فعالیت های مربوط به تنظیم گری صورت می گیرد. این فعالیت ها را می توان به سه محور اساسی تقسیم بندی نمود:^۱

۱. تنظیم و وضع قوانین و معیارهای که برای تاثیرگذاری بر رفتار مشارکت کنندگان در بازار ضروری است. (مقررات گذاری)

۲. نظارت بر رفتار و عملکرد مشارکت کنندگان در بازار. (نظارت)

۳. ملزم کردن مشارکت کنندگان در بازار به اجرای قوانین تنظیمی با استفاده از ضمانت اجرای مناسب در زمانی که آن ها از اجرای قوانین خودداری کنند. (قدرت اجرایی)^۲

نکته ای که حائز اهمیت است این است که این تنظیم گری با چنین توصیفی در دنیای حاضر هم به صورت ملی و هم به صورت بین المللی در رابطه با مقررات گذاری برای شرکت ها و نظارت بر آن ها به همراه قدرت اجرایی شان در حال اجراست.

۲-۵. عملکرد مثبت پیمان جهانی بر دولت ها و شرکت ها

با درک تنظیم گری از قسمت پیشین اثبات شد که پیمان به هیچ وجه یک موافقت نامه ایجاد کننده مراحل تنظیم گری نیست، بلکه یک مرحله عقب تر از تنظیم گری ایستاده و رویکردی مبتنی بر گفت و گو و یادگیری جهت تبیین پروژه های در حال اجرا را در تبیین اصولش ارائه می دهد. حال سوالی که پیش می آید این است که به طور کلی دولت ها و جامعه بین المللی برای اجرا تنظیم گری خود اصلا چه نیازی به یک موافقت نامه مکمل دیگری دارند؟ وقتی که همه چیز از مقررات گذاری گرفته تا نظارت و قدرت اجرایی به تنظیم گری مرتبط است و پیمان تقریبا در هیچکدام از موارد گزینه شایسته ای جهت ارائه ندارد و تمام انتقادات هم در همین حوزه به پیمان وارد می شود؛ اصولا نفع و فایده پیمان هم برای دولت ها و هم برای خود شرکت ها در چیست؟

۱-۲-۵. نفع پیمان جهانی برای دولت ها

بایستی متذکر شد دولت ها در حوزه مقررات گذاری که اولین مرحله از مراحل تنظیم گری هست، نیاز به اطلاعات فنی از موضوع دارند؛ به عبارتی دیگر تا فهم دقیقی از پروژه وجود

^۱ البته لازم به ذکر است که فعالیت های فرعی دیگری مانند آگاه سازی، رصد، داوری و حل منازعات، مجازات، ارزیابی و طراحی مکانیسم نیز به عنوان ابزار های نهاد تنظیم گر شناخته میگردند.

^۲ Authority

نداشته باشد نمی‌توان به طور موثر برای آن مقررات وضع کرد. از طرفی شرکت‌ها اصولاً اطلاعات فنی بسیار بیشتر و کارآمدتری نسبت به دولت‌ها دارند که این امر ممکن است به دلائلی مانند فاصله بیشتر دولت از پروژه‌ها نسبت به شرکت‌ها باشد و یا ماهیت سیاسی ای که دولت‌ها دارند و بسیاری از متخصصین حاضر به کار در مکان‌های سیاسی نمی‌شوند و در آخر هم به دلیل دستمزدهای پایین تر دولت‌ها نسبت به شرکت‌ها می‌باشد که اصولاً توانایی جذب نیروی متخصص فنی را نسبت به شرکت‌ها ندارند. همچنین پیدا کردن اصول مشترک در تنظیم‌گری بین‌المللی میان دولت‌ها به مراتب سخت‌تر از انجامش در تنظیم‌گری داخلی است. زیرا علاوه بر دلائل فوق، تضاد و چالش‌های نگرش سیاسی کشورها نیز می‌تواند در رسیدن به اطلاعات مشترک جهت مقررات گذاری سنگ اندازی کند. در صورتی که در روند شرکت‌ها عموماً نگرش سیاسی وجود نداشته و همه چیز از نگاه مهندسی و نتیجه‌گرا پی‌گیری می‌گردد تا به مرحله نهایی خود برسد و آن مرحله نهایی که به نتیجه منجر شده می‌تواند راهنمایی عملی تر و کارآمدتری برای دولت باشد تا مقررات گذاری بر طبق اصولی که نتیجه آن اثبات نشده است.

از همین رو پیمان با مشارکت جهانی شرکت‌ها باعث می‌شود تا هر زمانی که مقرراتی در زمینه ای وجود ندارد یا وجود داشته باشد اما به طور موثر کار نمی‌کند را تکمیل کنند. به عنوان مثال، از نظر تئوری، شرکت‌های تولید کننده کالا در کشورهای در حال توسعه از مقررات گذاری پیرامون حفاظت از کارگران خود پیروی می‌کنند، در حالی که در عمل اجرای بسیار نا کارآمدی از این مقررات و ابزارهای دقیق نظارتی وجود دارد که آن هم تنها بخش کوچکی از تعداد کل کارگران را پوشش می‌دهد.^۱ برای مشکلات دیگر، مثل تغییرات آب و هوایی، مقررات الزام آور اصلاً وجود ندارد. در صورتی که پیمان اعضا را برای ارائه گزارشات خود در زمینه های مختلف دور یکدیگر گردآوری می‌کند تا موضوعاتی مثل تغییرات آب و هوایی مورد بحث قرار گیرد تا اقداماتی ایجاد شود که بتواند به عنوان یک راه حل موقت تا زمان ظهور مقررات الزام آور عمل کند. به عنوان مثال پلتفرم مراقبت از آب و هوا^۲ نشان می‌دهد که اعضای پیمان^۳ راه‌های نوآورانه‌ای مختلفی برای رسیدگی به تغییرات آب و هوا در فعالیت تجاری خود ارائه کرده‌اند. نکته

^۱ K. Webb, *Voluntary Codes: Private governance, the public interest and innovation*, (Ottawa, Ontario, Canada: Carleton University Press, 2004) at6.

^۲ Caring for Climate

^۳ مانند Unilever و Deutsche Telekom

ای که برای رد انتقادات موجود به پیمان دوباره نیازمند یادآوری هست این است که راه‌اندازی پلتفرم مراقبت از آب و هوا، نشان‌دهنده عدم نیاز به مقررات‌گذاری دولت‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی نیست، اما یافته‌های حاصل از شرکت‌ها برای چگونگی رسیدن به یک روش عملی مناسب می‌تواند اطلاعات مناسبی را در اختیار مقررات‌گذاران دولتی قرار دهد و این روند را برایشان تسهیل کند. لازم به ذکر است کوفی عنان این موضوع را زمانی که به پیمان به عنوان یک راه حل موقت عملگرایانه با توجه به شکاف‌های حاکمیتی موجود اشاره می‌کند، تشخیص داد.

۲-۲-۵. نفع پیمان جهانی برای شرکت‌ها

پیمان علاوه بر دولت‌ها برای شرکت‌ها نیز حاوی منفعت است. بدین صورت که رابطه دولت با شرکت اصولاً یک رابطه از بالا به پایین است و دولت‌ها با تنظیم‌گری خود شرکت‌ها را وادار به اطاعت خود می‌کنند. در خیلی از موارد که یک امر تخصص بالایی می‌خواهد ممکن است یک شرکت راه‌حلی برای فائق بر آمدن بر آن مشکل را نداشته و دولت نیز بدون آن که وظیفه و دلیلی برای توضیح داشته باشد، آن شرکت را جریمه کرده و یا حتی مجوز آن را (بنا بر نوع عمل ارتكابی) باطل می‌کند که در هیچ یک از این مراحل شرکتی که دارای حسن نیت باشد، اطلاعاتی را جهت عدم ارتكاب دوباره آن به دست نیاورده است، زیرا مقررات موجود به خودی خود از نظر نوع نوشته و اطلاعاتی که می‌دهد محدود است در صورتی که شرکت‌هایی که تحت نظارت دولت‌ها قرار می‌گیرند، ابتدا باید یاد بگیرند که چگونه بایستی در فعالیت تجاری خود، قانون را اجرا کنند. پرونده‌های تخلف بی‌شمار شرکت‌ها در سراسر جهان نشان می‌دهد که صرف مقررات‌گذاری دولت-ها به خودی خود به هیچ وجه کافی نیستند. شرکت‌های تحت نظارت باید بدانند که مقررات به چه معناست و چگونه می‌توانند فعالیت‌های تجاری خود را در آن چارچوب اجرا کنند. به همین سبب و برای رفع این نقص، پیمان به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با ایجاد گزارش ارائه اعضای خود در آن، بهترین شیوه‌های تجاری منتشر شود و در نتیجه مقررات موجود (به عنوان مثال، قوانین بین‌المللی در رابطه با مسائل حقوق بشر) را به اقدامات عملگرای موجود تبدیل می‌کند. گفت‌وگو پیش‌بینی شده در پیمان میان شرکت‌ها می‌تواند در کسب اطلاعات شرکت‌ها و در اختیار گذاشتن تجاربشان با یکدیگر، در یادگیری آن‌ها بسیار موثر واقع گردد.

نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر، کشف میزان شایستگی پیمان جهانی، در حصول اهداف مورد ادعایش بود. در این رابطه لازم بود که طی ارزیابی همه‌جانبه، پس از تعمق بر تاریخچه شکل‌گیری پیمان و مناقشاتی که میان کشورها وجود داشت، اصول ده‌گانه پیمان، اعضای آن و نحوه کارکردش مورد بررسی قرار گیرد. با مذاقه در اصول، یافت شد که این اصول برای تحقق چهار هدف حفظ حقوق بشر، کار، محیط زیست و مبارزه با فساد ایجاد شده‌اند. اعضای پیمان نیز به چهار گروه تقسیم شده که عبارتند از شرکت‌های چندملیتی، سازمان ملل، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت‌ها؛ همچنین نحوه کارکرد پیمان، در سه بخش گفت‌وگو، یادگیری و انجام پروژه‌های مشترک خلاصه شد.

پس از شناخت ماهیت پیمان، نوبت به مطرح کردن انتقادات مرتبط با آن رسید. در بخش دوم مقاله، سه نقد اساسی به پیمان مطرح شد. اول آنکه اصول پیمان مبهم است و تراز شایسته‌ای از قضاوت اعمال ناصحیح شرکت‌ها فراهم نمی‌کند. دوم، پیمان موجب دخالت شرکت‌های چندملیتی در سیاست‌گذاری سازمان ملل می‌شود و نگاه صرف تجاری (رسیدن به حداکثر سود) را بر سایر منویات غیرمالی مستولی می‌سازد. سوم، پیمان نه تنها هیچ ضمانتی برای جبران تخلفات شرکت‌ها پیش‌بینی نکرده، بلکه دستاویزی برای شرکت‌های متخلف می‌شود که اعمال ناصحیح خود را در زیر پرچم سازمان ملل مشروع سازند.

در ادامه کوششی در دستیابی پاسخ به سه انتقاد فوق‌الذکر صورت گرفت. اول، بیان شد که اصول مبهم پیمان به مراد مجال یافتن شرکت‌ها در ارائه راه‌حل‌های جدید طراحی شده‌اند؛ چنانچه این اصول از بدو ایجاد، به تفصیل آمده باشند، فرصت عرضه ابتکار را از شرکت‌ها می‌گیرند؛ دوم، ملاحظه شد که شرکت‌های چندملیتی قطع نظر از وجود و یا عدم وجود پیمان، دخالت گسترده‌ای در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی دارد و پیمان جهانی، موجب منظوم کردن سیاست‌های نانوشته و پشت‌پرده شرکت‌ها می‌شود و سیاست‌های غیرشفاف فعلی را در پرده نمایش عموم می‌گذارد؛ و سوم، اساسی‌ترین انتقاد، یعنی عدم پاسخگویی شرکت‌ها در مفاد پیمان بود که ضمن امعان نظر به پیش‌بینی فرایند گزارش پیشرفت در پیمان، در بخش آخر کوشش شد تا آنچه پیمان به واقع هست، مورد بحث قرار گیرد.

ضمن تحلیل مبانی تنظیم‌گری، گفته شد ادعای پیمان هیچگاه ارائه مقررات گذاری بدان شیوه که سایر موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها در پی آن هستند، نیست. پیمان در یک قدم پیش‌تر از تمامی مقررات گذاری ملی و بین‌المللی ایستاده است. تمرکز اصلی تنظیم-گران در گذر تاریخ، پیوسته بر میزان قدرت اجرایی مقررات خود بوده است و مساله‌ای که کمتر بدان توجه شده، این است که مقررات گذاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی چگونه می‌توانند به حداکثر کارایی خود برسند. در ادامه تحلیل شد، در صورتی که مقررات موجود نتواند با رویه عملی صنعت منطبق باشد، موجب عدم فهم مشترک می‌شود و این چالش مضاف بر حداقل کارایی مقررات گذاری، به ضرر هر دو طرف دولت‌ها و شرکت‌ها تمام می‌شود. هدف حقیقی پیمان چنین است که با ملاحظه بر آنکه خود یک مقررات‌گذار نیست، ضمن ایجاد بستری مناسب برای گفت‌وگو و یادگیری شرکت‌ها با یکدیگر در فضایی شفاف، فاصله میان دغدغه صنعت و مقررات گذاری را تا حد امکان کاهش دهد.

منابع

مقاله‌ها

- خاندوزی، سید احسان، «الزامات دولت تنظیم‌گر در اقتصاد ایران»، مجلس و پژوهش، دوره ۱۷، شماره ۶۴ صص ۴۱-۸۰، (۱۳۹۰).
- شیروی، عبدالحسین و فرحناکیان، فرشید، «ابعاد حقوقی تنظیم‌گری مناسب در حکمرانی خوب صنعت نفت ایران»، *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۵۷-۳۸۲، (۱۳۹۸).
- یآوری، اسداله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۶۲۹-۶۴۷، (۱۳۹۳).

References

Books

- Browne, Stephen, *United Nations Development Programme and System (UNDP)*, (Oxford: Routledge, 2012).
- McIntosh, M., Thomas, R., Leipziger, D., & Coleman, g., *Living corporate citizenship Strategic routes to socially responsible business*, (London: FT Prentice Hall, 2003).
- Rizvi, Fazal, *Globalizing education policy*. (Oxford: Routledge, 2009).

- Webb, K., *Voluntary Codes: Private governance, the public interest and innovation*, (Ottawa: Carleton University Press, 2004).
- Zammit, Ann, *Development at risk: Rethinking UN-business partnerships*, (Geneva: South Centre, 2003).
- United Nations, *Yearbook of the United Nations*, Vol. 27 (New York: Office of Public Information, 1976).
- Werner J. Feld, *Multinational Corporations and UN Politics: The Quest for Codes of Conduct* (Frankfurt: Pergamon Press, 1980).

Articles

- Barkemeyer, Ralf, and Giulio Napolitano. "The UN Global Compact: Moving towards a critical mass or a critical state?" *Academy of Management Proceedings*, volume. 209, no. 1, (2009).
- Bennie, Lynn, Patrick Bernhagen, and Neil J. Mitchell. "The logic of transnational action: The good corporation and the Global Compact." *Political Studies*, Volume. 55, no. 4 (2007).
- Bigge, D. M, "Bring on the bluewash—A social constructivist argument against using Nike v. Kasky to attack the UN global Compact", *International Legal Perspectives*, Volume.14,(2004).
- Bremer, Jennifer Ann. "How global is the Global Compact?" *Business Ethics: A European Review*, Volume. 17, no. 3, (2008).
- Cavanagh, g. F, "global business ethics—Regulation, code, or self-restraint" *Business Ethics Quarterly*, Volume. 14, (2004).
- Coleman, David. "The United Nations and transnational corporations: From an inter-nation to a "beyond-state" model of engagement." *Global Society*, Volume. 17, no. 4, (2003).
- Deva, S., "Global Compact: A critique of the UN's public-private partnership for promoting corporate citizenship", *Syracuse Journal of International Law and Communication*, Volume. 34, (2006).
- Dumalaon, Janelle, "Global Compact: A Guide Dog, Not A Watchdog". *Dw.Com*. Retrieved (26 January 2016).
- Fort, T. L., & Schipani, C. A, "The role of the corporation in fostering sustainable peace" *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Volume. 35, (2002).
- Hemphill, T. A., "The United Nations Global Compact: the business implementation and accountability challenge. *International Journal of Business Governance and Ethics*", Volume. 4, Issue. 1, (2005).
- Kell, g., & Levin, D, "The global Compact network: An historic experiment in learning and action." *Business and Society Review*, Volume. 108, (2003).
- Levy, D., "Political contestation in global production networks", *Academy of Management Review*, Volume 33, (2008).
- Murphy, S. D. "Taking multinational corporate codes of conduct to the next level", *Columbia Journal of Transnational Law*, Volume. 43, (2005).
- Nolan, J, "The United Nations global Compact with business: Hindering or helping the protection of human rights?", *University of Queensland Law Journal*, Volume. 24, (2005)

- Palazzo, G., & Scherer, A. G, "Corporate legitimacy as deliberation: A communicative framework", *Journal of business ethics*, Volume. 66, (2006).
- Perkins, Richard, and Eric Neumayer. "Geographic variations in the early diffusion of corporate voluntary standards: comparing ISO 14001 and the Global Compact." *Environment and planning A*, Volume. 42, no. 2 (2010).
- Rasche, Andreas, Sandra Waddock, and Malcolm McIntosh. "The United Nations global compact: Retrospect and prospect." *Business & Society*, Volume. 52, no. 1 (2013).
- Thérien, J. P., & Pouliot, V., "The global Compact: Shifting the politics of international development", *Global Governance*, Volume. 12, (2006).
- Williams, Oliver F, "The UN Global Compact: The challenge and the promise.", *Business Ethics Quarterly* Volume. 14, Issue. 4, (2004).
- Williams, Oliver F, "The United Nations global compact: What did it promise?" *Journal of business ethics*, Volume122, (2014).
- Ziegler, Oliver. "Global Compact membership in Europe and the US: A case study of the automobile industry." *Journal of Corporate Citizenship* Volume. 26, (2007).

In Persian

- Khandoozi, Ehsan, "Regulatory Government Requirements in the Iranian Economy", *Parliament and Research*, Volume.17, (2012). [In Persian]
- Shiravi, Abdolhossein, Farahnakiyan, Farshid, "Legal Dimensions of Proper Regulation in the Good Governance of Iran's Oil Industry", *Energy law Studies*, Volume.6, No. 2, (2019). [In Persian]
- Yavari, Asadollah, "An Introduction to The Concept of Legal Regulation", *Comparative Law Studies*, Vol.5, No. 2, (2014). [In Persian]